MEJDS. 2021; 11:30.

Published online 2021 June. **Research Article**

Relationship Between Early Maladaptive Schemas and Marital Quality, Mediated by Conflict Resolution Strategies in Married Women

Emami P[1], *Ghodsi P[2], Mirhashemi M[3], Abolma'ali Alhoseini Kh[3]

Author Address
1. PhD Student of Department of Psychology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran;
2. Assistant Professor of Department of Psychology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran;
3. Associate Professor of Department of Psychology, Rudehen Branch, Islamic Azad University, Rudehen, Iran.
***Corresponding author's email:** elham_ghodsi@yahoo.com

Received: 2021 February 28; **Accepted:** 2021 May 10

Abstract

Background & Objectives: Unsolved conflicts among couples may exacerbate their problems and even result in divorce. Therefore, the manners that couples interact and resolve their disagreements significantly influence the quality of their marital life. Negative strategies used to resolve marital controversies are predictive of divorce and positive approaches are predictive of marital stability. Early maladaptive schemas make women unaware of their unsatisfied basic needs; consequently, such conditions affect conflict resolution among them, making them less adaptive and compromising. Early maladaptive schemas are enduring attitudes toward the self as well as the interactions with the surrounding world and may affect conflict resolution. Thus, this study aimed to explore the relationship between early maladaptive schemas and marital quality through the mediation of conflict resolution strategies in married women.

Methods: This was a correlational study. The statistical population of the study included the married women who were referred to healthcare centers in Tehran City, Iran, in 2020; of them, by random cluster sampling, 320 eligible subjects were included in the current study. Initially, the districts were randomly selected. Next, the study participants were selected using online and convenience sampling methods. To select healthcare centers, districts were randomly selected in the north (districts 2 & 3), south (districts 18 & 19), center (districts 11 & 12), east (districts 8 & 13), and west (districts 9 & 10). Due to the Coronavirus Disease 2019 (COVID–19) pandemic, randomization was impossible and the questionnaire was virtually provided to the study participants. The inclusion criteria of the study included living in Tehran and spending a year together (couples). Research tools included the Young Schema Questionnaire–Short Form (Young, 1998), Rahim Organizational Conflict Inventory–II (ROCI–II) (Rahim, 1983), and Revised Dyadic Adjustment Scale (Busby et al., 1995). The obtained data were analyzed using structural equation modeling and Pearson correlation coefficient in SPSS and AMOS. The significance level of the tests was considered 0.05.

Results: According to the present research results, the total effect of early maladaptive schemas was significant on marital quality (β=–0.431, p=0.001). The direct effects of constructive conflict resolution strategies (β=0.350, p=0.009) and non–constructive conflict resolution strategies (β=–0.308, p=0.014) were significant on marital quality. The direct effect of early maladaptive schemas was significant on constructive conflict resolution strategies (β=–0.156, p=0.043) and non–constructive conflict resolution (β=0.147, p=0.043). Furthermore, the direct effect of early maladaptive schemas was significant on marital quality (β=–0.332, p=0.011). The indirect effects mediated by constructive conflict resolution strategies (β=–0.054, p=0.008) and non–constructive conflict resolution strategies (β=–0.45, p=0.011) were significant on marital quality. The hypothesized model presented a relatively good fit with the collected data (χ^2/df=2.48, CFI=0.933, GFI=0.969, AGFI=0.891, & RMSEA=0.047).

Conclusion: The present study results revealed that constructive and non–constructive conflict resolution strategies mediated the relationship between early maladaptive schemas and marital quality in married females.

Keywords: Conflict resolution, Schema, Marital quality.

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-18]

Copyright © 2016, MEJDS. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

مجله مطالعات ناتوانی ۱۴۰۰؛ (۱۱):۳۰.

انتشار برخط خرداد ۱۴۰۰ مقاله پژوهشی اصیل

مدل‌سازی معادلات ساختاری رابطهٔ بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه با کیفیت زناشویی با میانجیگری راهبردهای حل تعارض در زنان متأهل

پروین امامی[۱]، *پروانه قدسی[۲]، مالک میرهاشمی[۳]، خدیجه ابوالمعالی الحسینی[۳]

توضیحات نویسندگان

۱. دانشجوی گروه روان‌شناسی عمومی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛

۲. استادیار گروه روان‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛

۳. دانشیار گروه روان‌شناسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

***رایانامهٔ نویسندهٔ مسئول:** elham_ghodsi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۰ اسفند ۱۳۹۹؛ **تاریخ پذیرش:** ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۰

چکیده

زمینه و هدف: طرحواره‌های ناسازگار اولیه در زنان موجب شناسایی‌نشدن نیازهای اولیهٔ ارضانشده می‌شود که متعاقباً بر حل تعارض در آنان تأثیر می‌گذارد؛ ازاین‌رو این زنان در روابط زناشویی خود کمتر انطباقی و مصالحه‌گرانه برخورد می‌کنند؛ بنابراین هدف پژوهش حاضر مدل‌سازی معادلات ساختاری رابطهٔ بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه با کیفیت زناشویی با میانجیگری راهبردهای حل تعارض در زنان متأهل بود.

روش‌بررسی: روش پژوهش از نوع همبستگی بود. جامعهٔ آماری پژوهش را زنان متأهل مراجعه‌کننده به خانه‌های سلامت شهر تهران در سال ۱۳۹۹ تشکیل دادند که از میان آن‌ها ۳۲۰ نفر واجد شرایط به مطالعه وارد شدند. در گام اول انتخاب مناطق تصادفی بود و در گام آخر افراد به‌صورت دردسترس و برخط انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل نسخهٔ کوتاه پرسشنامهٔ طرحوارهٔ یانگ (یانگ، ۱۹۹۸)، پرسشنامهٔ راهبردهای حل تعارض رحیم‌ـ ویرایش دوم (رحیم، ۱۹۸۳) و مقیاس تجدیدنظرشدهٔ سازگاری زناشویی (باسبی و همکاران، ۱۹۹۵) بود. داده‌های پژوهش با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری و ضریب همبستگی پیرسون در نرم‌افزارهای SPSS نسخهٔ ۲۴ و AMOS نسخهٔ ۲۴ و با درنظرگرفتن سطح معناداری ۰/۰۵ تحلیل شدند.

یافته‌ها: نتایج نشان داد اثر کل طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر کیفیت زناشویی (p=۰/۰۰۱، β=-۰/۴۳۱) و اثر مستقیم طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر کیفیت زناشویی (p=۰/۰۱۱، β=-۰/۳۳۲) معنادار بود؛ همچنین اثر غیرمستقیم طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر کیفیت زناشویی با میانجیگری راهبردهای حل تعارض سازنده (p=۰/۰۰۸، β=-۰/۰۵۴) و غیرسازنده (p=۰/۰۱۱، β=-۰/۰۴۵) معنادار بود؛ به‌علاوه مدل مفروض پژوهش با داده‌های گردآوری‌شده برازش نسبتاً مناسبی داشت (χ^2/df=۲/۴۸، CFI=۰/۹۳۳، GFI=۰/۹۶۹، AGFI=۰/۸۹۱، RMSEA=۰/۰۴۷).

نتیجه‌گیری: براساس یافته‌های پژوهش، طرحواره‌های ناسازگار اولیه به‌واسطهٔ راهبردهای حل تعارض سازنده و غیرسازنده بر کیفیت زناشویی متأهلان تأثیر می‌گذارند.

کلیدواژه‌ها: حل تعارض، طرحواره، کیفیت زناشویی.

حق انتشار محفوظ است © ۱۳۹۵، مجله مطالعات ناتوانی. این یک مقاله با دسترسی آزاد است که تحت مجوز اختیار_غیرتجاری ۴/۰ بین‌المللی (https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/deed.fa) منتشر شده است که به شما اجازه می‌دهد که مواد منتشر شده در این مقاله را با شرط ارجاع مناسب به نسخهٔ اصلی، به‌طور غیرتجاری نسخه‌برداری و توزیع کنید.

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-18]

۱ مقدمه

خانواده نهادی مؤثر در اجتماع به‌شمار می‌آید که بر میزان سلامت اعضای آن اثر می‌گذارد و اگر دارای کارکرد مناسبی باشد، اعضای آن نیز از سطح مناسبی از بهزیستی برخوردار خواهند بود. نهاد خانواده به زیرمجموعه‌هایی تقسیم می‌شود و از همه اصلی‌تر، نظام زناشویی[1] است که نقطهٔ وصل آن، پیمان ازدواج است (۱). دستیابی به جامعه‌ای امن نیاز به خانواده‌ای سالم دارد؛ خانوادهٔ سالم را در صورتی می‌توان به‌دست آورد که اعضای آن از سلامت روانی برخوردار باشند و ارتباط مطلوبی با یکدیگر برقرار کنند؛ بنابراین، اگر اعضای خانواده و روابط آن‌ها سالم و استوار باشند، اثرات مثبتی بر جامعه خواهند داشت. مسئلهٔ مهم‌تر در ازدواج و تشکیل خانواده آرامش است که توسط افراد به‌دست می‌آید (۲). مدل سازگاری با آسیب‌پذیری‌ـ استرس‌ـ انطباق[2] دربارهٔ رشد زناشویی، چارچوبی را برای تبیین رابطهٔ میان تحمل آسیب‌پذیری‌ها، فرایندهای سازشی و کیفیت زندگی زناشویی فراهم می‌آورد (۳). به‌عقیدهٔ کارنی و برادبری، پیامدهای زناشویی مثل کیفیت و ثبات زناشویی، تحت‌تأثیر آسیب‌پذیری‌های مداوم، رویدادهای استرس‌برانگیز و فرایندهای سازشی قرار دارند. مدل سازگاری با آسیب‌پذیری‌ـ استرس‌ـ انطباق بر تأثیر مستقیم آسیب‌پذیری‌های مداوم بر فرایندهای سازشی یا شیوهٔ حل تعارض زوجین و تأثیر مستقیم این دو عامل بر کیفیت زندگی زناشویی تأکید می‌کند. مدل سازگاری با آسیب‌پذیری‌ـ استرس‌ـ انطباق، مدلی جامع است که تغییر کیفیت و ثبات زندگی زناشویی در طی زمان را تبیین می‌کند (۳)؛ اما در این پژوهش فقط بخشی از این مدل بررسی شد. این مطالعه از مدل سازگاری با آسیب‌پذیری‌ـ استرس‌ـ انطباق برای نشان‌دادن رابطهٔ میان آسیب‌پذیری‌های مداوم، فرایندهای سازشی و کیفیت زندگی زناشویی بهره گرفت.

در صورتی که اعضای خانواده از سلامت روان برخوردار باشند و تعاملات مناسبی را با یکدیگر برقرار سازند، به خانوادهٔ سالم دست پیدا می‌کنند؛ بنابراین، تمرکز بر اعضای خانواده و تعاملات و روابط آن‌ها اثرات مثبتی را برای آنان و خانواده و جامعه در بر دارد. تعداد کثیری از افرادی که به متخصصان حوزهٔ خانواده و روان‌درمانی و مشاوره مراجعه می‌کنند، به‌دنبال دریافت خدمات روان‌درمانی و مشاوره برای حل مشکلاتشان در روابط و حل تعارضات به‌ویژه در رابطه با همسرشان هستند. تعارضاتی که در خانواده و به‌ویژه بین همسران رخ می‌دهد، در صورت حل‌نشدن موجب عمیق‌شدن مشکلات و حتی طلاق می‌شود (۴)؛ ازاین‌رو، شیوهٔ تعامل زوجین با یکدیگر و همین‌طور حل تعارض[3] آن‌ها بر میزان کیفیت و رضایت زناشویی[4] آنان اثرگذار است؛ بنابراین، اساس زندگی و خوشبختی انسان را همین ارتباط‌های میان‌فردی تشکیل می‌دهد (۵). اهمیت سبک‌های حل تعارض به‌اندازه‌ای است که برخی از محققان معتقد هستند کیفیت زندگی زناشویی را نوع مشکل تعیین نمی‌کند؛ بلکه نحوهٔ برخورد با مشکل تعیین‌کنندهٔ کیفیت زندگی زناشویی است؛ همچنین راهبردهای منفی برای حل تعارض زناشویی، پیش‌بینی‌کنندهٔ طلاق و راهبردهای مثبت حل تعارض پیش‌بینی‌کنندهٔ ثبات زناشویی است (۶).

به‌عقیدهٔ رحیم، حل تعارض به انواع راهبردهای مدیریت‌کردن تعارض اطلاق می‌شود که شخص تمایل دارد در وضعیت تعارضی از آن‌ها استفاده کند. رحیم دو بُعد اساسی را در حل تعارض مؤثر دانسته است که عبارت است از: اهمیت‌دادن به خود[5] و اهمیت‌دادن به دیگران[6]. اولین بُعد یعنی اهمیت‌دادن به خود، میزانی را که شخص تلاش می‌کند تا علایق خود را برآورده کند، توضیح می‌دهد. دومین بُعد اهمیت‌دادن به دیگران، میزانی را که شخص تلاش می‌کند تا علایق دیگران را برآورده سازد، شرح می‌دهد. از این میان، سبک‌های حل تعارض سبک‌های یکپارچگی[7] ، مصالحه‌کننده[8] و ملزم‌شده[9] از سبک‌های سازندهٔ حل تعارض و سبک‌های اجتنابی[10] و مسلط[11] از سبک‌های مخرب حل تعارض محسوب می‌شود (۷). در این راستا فتحی و همکاران گفت‌وگوی منطقی و مصالحه را ازجمله استراتژی‌های مثبت حل تعارض معرفی کردند که موجب کیفیت زناشویی بهتر می‌شود (۸). حسینی و همکاران چنین نتیجه گرفتند که شیوه‌های حل تعارض سازنده و همین‌طور شیوه‌های حل تعارض غیرسازنده به‌واسطهٔ عدالت زناشویی با کیفیت زناشویی رابطه دارد (۹). بیرامی و همکاران نیز به رابطهٔ مستقیم کیفیت زناشویی با حل تعارض مصالحه‌کارانه و رابطهٔ غیرمستقیم با حل تعارض اجتنابی یا غیرسازنده دست یافتند (۱۰).

طرحواره‌های ناسازگار اولیه[12] در زنان موجب شناسایی‌نشدن نیازهای اولیهٔ ارضانشده می‌شوند که متعاقباً حل تعارض را در آنان تحت‌تأثیر قرار می‌دهند؛ بدین‌ترتیب این زنان در روابط زناشویی خود کمتر انطباقی و مصالحه‌گرانه برخورد می‌کنند (۱۱). برآورده‌شدن نیازهای هیجانی و جسمانی کودک در خانواده به‌واسطهٔ مظاهر دل‌بستگی کودک به‌قدر کافی، سبب شکل‌گیری طرحواره‌های[13] سازگارانه‌ای دربارهٔ خود و دیگران می‌شود که احساس ارزش‌مندی، استقلال، شایستگی، دوست‌داشته‌شدن و مراقبت‌شدن را برای فرد به ارمغان می‌آورد؛ همچنین واکنش افراد را به بافت اجتماعی تعیین می‌کند (۱۲)؛ بااین‌حال روابط خانوادگی اولیه که حاکی‌از ناکارآمدی و بی‌کفایتی والدین در فراهم‌آوردن ساختار و روابط عاطفی چشمگیر و در حد نیاز است (۱۳)، موجب به‌وجودآمدن طرحواره‌های ناسازگار اولیه می‌شود (۱۴). طرحواره‌های ناسازگار اولیه براساس نیازهای هیجانی ارضانشده در کودکی در پنج حوزهٔ کلی شکل می‌گیرد که عبارت است

1. Marital system
2. Vulnerability-stress-adaptation model (VSA)
3. Conflict solution
4. Quality and marital satisfaction
5. Concern for self
6. Concern for other
7. Integrating style
8. Compromising style
9. Obligating style
10. Avoiding style
11. Dominating style
12. Early maladaptive schemas
13. Schemas

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-18]

از: ۱. طرحواره‌های حوزهٔ بریدگی و طرد[1] در کودکی؛ ۲. طرحواره‌های حوزهٔ خودگردانی و کارکرد مختل[2] ؛ ۳. طرحواره‌های حوزهٔ محدودیت‌های مختل[3]؛ ۴. طرحواره‌های حوزهٔ دیگرجهت‌مندی[4]؛ ۵. طرحواره‌های حوزهٔ گوش‌به‌زنگی بیش‌ازحد و بازداری[5] (۱۵). تعامل پیش‌آمادگی‌های ژنتیکی فرد و عوامل محیطی که روابط فرد را با والدین و دیگر افراد مهم زندگی شامل می‌شود، شکل‌گیری سازه‌های شناختی عمیق و پایداری را به‌همراه دارد که طرحواره‌های ناسازگار اولیه نامیده شده‌اند. این طرحواره‌ها عقاید و باورهایی را دربارهٔ خود و دیگران در بر می‌گیرند (۱۶) که می‌توانند بر ادراک فرد از واقعیت جهان بیرونی، پردازش شناختی و هیجانی و روابط بین‌فردی او تأثیر بگذارند (۱۷). در این راستا اصغری و همکاران به رابطهٔ بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و تعارضات زناشویی اشاره داشتند (۱۸). بشارت و همکاران چنین نتیجه گرفتند که رابطهٔ طرحواره‌های ناسازگار اولیه و مشکلات زناشویی رابطه‌ای خطی و ساده نیست و دشواری تنظیم هیجان در این رابطه نقش واسطه‌ای دارد (۱۹).

براساس آنچه مرور شد، طرحواره‌های ناسازگار اولیه در همسران و متعاقب آن راهبردهایی که همسران تحت‌تأثیر طرحواره‌هایشان در روابط زناشویی برای حل تعارض به‌کار می‌گیرند، می‌تواند آسیب‌های جدی به رابطه و خانواده و کیفیت زناشویی وارد کند؛ ازاین‌رو بررسی متغیرهای اثرگذار بر کیفیت زناشویی متأهلان بر اهمیت و ضرورت حاضر می‌افزاید؛ بنابراین هدف پژوهش حاضر مدل‌سازی معادلات ساختاری رابطهٔ بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه با کیفیت زناشویی با میانجیگری راهبردهای حل تعارض در زنان متأهل بود.

۲ روش‌بررسی

روش پژوهش حاضر از نوع همبستگی بود. جامعهٔ آماری را زنان متأهل مراجعه‌کننده به خانه‌های سلامت شهر تهران در سال ۱۳۹۹ تشکیل دادند. با درنظرگرفتن تعداد بیست آزمودنی به‌ازای هر متغیر مشاهده‌شده (۲۰) که در شکل ۱ دیده می‌شود، حجم نمونهٔ حاضر برآورد شد. به این صورت که در پژوهش حاضر سیزده متغیر با احتساب خرده‌مقیاس‌های هر ابزار که در شکل ۱ قابل مشاهده است، در نظر گرفته شد. درنهایت با لحاظ‌کردن احتمال ریزش نمونه، ۳۲۰ نفر واجد شرایط وارد پژوهش شدند. در پژوهش حاضر در گام اول نمونه‌گیری، انتخاب مناطق به‌طور تصادفی بود و در گام آخر افراد به‌صورت دردسترس و برخط انتخاب شدند. برای انتخاب خانه‌های سلامت در گام اول، ابتدا به‌صورت تصادفی در پنج جهت شمال مناطق دو و سه، جنوب مناطق هیجده و نوزده، مرکز مناطق یازده و دوازده، شرق مناطق هشت و سیزده و غرب مناطق نُه و ده انتخاب شدند. در ادامه امکان تصادفی‌بودن نمونه‌ها به‌علت کرونا میسر نشد؛ بنابراین در خانه‌های سلامت، افراد به‌صورت دردسترس و برخط پرسشنامه‌ها را تکمیل کردند. ملاک‌های ورود شرکت‌کنندگان به پژوهش سکونت در شهر تهران و گذشتن یک سال از زندگی مشترک بود. ملاحظات اخلاقی شامل رضایت آگاهانهٔ شرکت‌کنندگان، رعایت اصل رازداری و محرمانه‌ماندن اطلاعات و مشخصات فردی رعایت شد.

برای جمع‌آوری داده‌ها از ابزارهای زیر استفاده شد.

ـ نسخهٔ کوتاه پرسشنامهٔ طرحوارهٔ یانگ[6]: نسخهٔ کوتاه پرسشنامهٔ طرحوارهٔ یانگ در سال ۱۹۹۸ ارائه شد که شامل ۷۵ گویه است (به نقل از ۱۵). این نسخه پنج خرده‌مقیاس طرحواره‌های بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، دیگرجهت‌مندی؛ گوش‌به‌زنگی بیش‌ازحد و بازداری، محدودیت‌های مختل و پانزده طرحواره را در طیف لیکرتی شش‌درجه‌ای از کاملاً درست دربارهٔ من=۶ تا کاملاً غلط دربارهٔ من=۱ ارزیابی می‌کند. نمرهٔ بیشتر در ابزار بیانگر میزان بیشتری از یکی از طرحواره‌های ناسازگار اولیه است (به نقل از ۱۵). والر و همکاران در هنجاریابی نسخه‌های بلند و کوتاه این پرسشنامه، ضریب آلفای کرونباخ را ۰/۹۶ به‌عنوان شاخصی از همسانی درونی ابزار و همبستگی این ابزار را با پرخوری و پراشتهایی عصبی به‌ترتیب ۰/۳۴۵ و ۰/۲۸۹ به‌عنوان شاخصی از روایی همگرای آن گزارش کردند (۲۱). در ایران صدوقی و همکاران در این ابزار ضریب آلفای کرونباخ را برای کل ابزار ۰/۹۴ و برای خرده‌مقیاس‌ها در دامنه‌ای از ۰/۶۲ تا ۰/۹۰ به‌دست آوردند. برای بررسی روایی ابزار تحلیل عاملی تبیینی به‌کمک مؤلفه‌های اصلی انجام شد و ارزش کیسرز ـ میر ـ الکین برای آن ۰/۹۰ بود (۲۲).

ـ پرسشنامهٔ راهبردهای حل تعارض رحیم ـ ویرایش دوم[7]: ویرایش دوم پرسشنامهٔ راهبردهای حل تعارض رحیم در سال ۱۹۸۳ ارائه شد (۷). این پرسشنامه شامل ۲۸ گویه است که پنج خرده‌مقیاس شامل سبک‌های یکپارچه، ملزم‌کننده، اجتنابی، مسلط و مصالحه‌کننده را در طیف لیکرتی پنج‌درجه‌ای از کاملاً مخالفم=۱، مخالفم=۲، نظری ندارم=۳، موافقم=۴ تا کاملاً موافقم=۵ ارزیابی می‌کند. نمرهٔ بیشتر در ابزار بیانگر میزان بیشتری از یکی از سبک‌های حل تعارض است (۷). رحیم برای این ابزار ضرایب آلفای کرونباخ را در دامنه‌ای از ۰/۷۲ تا ۰/۷۷ به‌دست آورد. رحیم با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی با چرخش واریماکس ساختاری پنج‌عاملی را برای ابزار به‌عنوان روایی سازهٔ آن گزارش کرد (۷). در ایران حقیقی و همکاران ضرایب آلفای کرونباخ ابزار را در دامنه‌ای از ۰/۷۰ تا ۰/۷۵ و همبستگی خرده‌مقیاس‌های آن را با پرسشنامهٔ حل تعارض[8] در دامنه‌ای از ۰/۲۰ ـ تا ۰/۵۶ به‌عنوان شاخصی از روایی هم‌زمان ابزار گزارش کردند (۶).

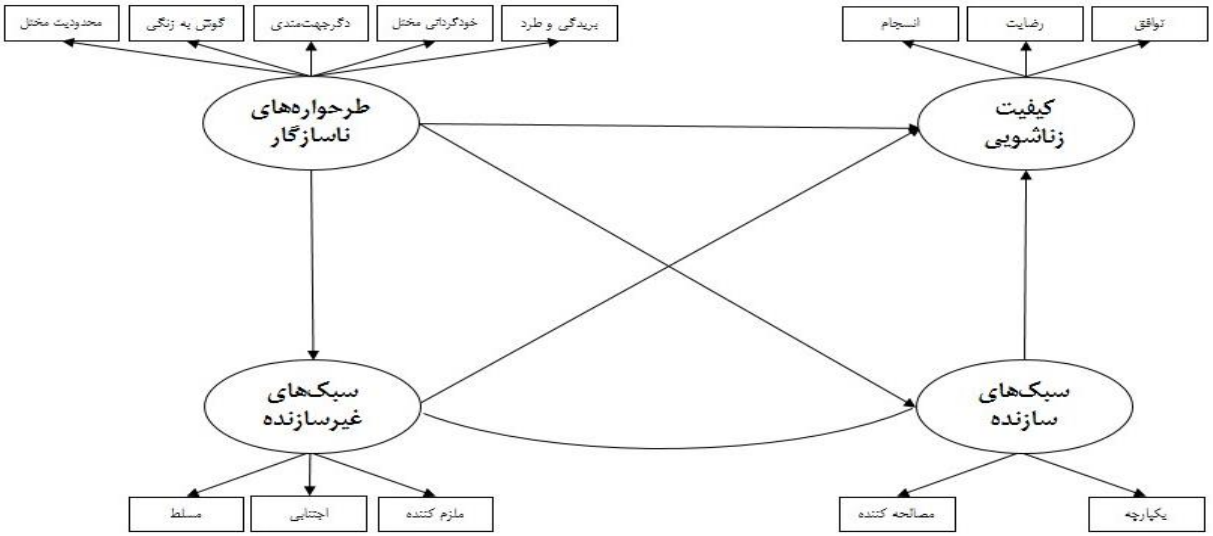
ـ مقیاس تجدیدنظرشدهٔ سازگاری زناشویی[9]: مقیاس تجدیدنظرشدهٔ سازگاری زناشویی توسط باسبی و همکاران در سال ۱۹۹۵ تدوین شد (۲۳). این پرسشنامه شامل ۱۴ گویه است که سه خرده‌مقیاس توافق، رضایت و انسجام زناشویی را در طیف لیکرتی شش‌درجه‌ای از همیشه اختلاف=صفر تا توافق دائم=۶ ارزیابی می‌کند. نمره‌های بیشتر در این

1. Disconnection and rejection
2. Impaired autonomy and performance
3. Impaired limits
4. Other/directedness
5. Over-vigilance and inhibition
6. Young Schema Questionnaire-Short Form
7. Rahim Organizational Conflict Inventory-II (ROCI-II)
8. Conflict Resolution Questionnaire
9. Revised Dyadic Adjustment Scale

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-18]

مقیاس حاکی‌از سازگاری زناشویی بیشتر است (۲۳). باسبی و همکاران ضرایب آلفای کرونباخ را برای ابزار در دامنه‌ای از ۰/۸۰ تا ۰/۹۱ به‌عنوان شاخصی از همسانی درونی ابزار به‌دست آوردند؛ همچنین قدرت تمایز زوجین سازگار و ناسازگار را به‌منزلهٔ شاخصی از روایی ابزار گزارش کردند (۲۳). یوسفی ضرایب آلفای کرونباخ را برای خرده‌مقیاس‌های این ابزار در دامنه‌ای از ۰/۸۲ تا ۰/۹۲ و همبستگی ابزار را با مقیاس رضایت زناشویی انریچ[1] برابر با ۰/۳۹ به‌منزلهٔ شاخصی از روایی هم‌زمان ابزار عنوان کرد (۲۴).

در شکل ۱ مدل مفهومی پژوهش مبنی‌بر رابطهٔ بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه با کیفیت زناشویی با میانجیگری راهبردهای حل تعارض در زنان متأهل ارائه شده است.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

برای تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی ازجمله میانگین و انحراف معیار استفاده شد. همچنین روش مدل‌سازی معادلات ساختاری، به‌شرط برقراری پیش‌فرض‌های آن مبنی‌بر نرمال‌بودن داده‌ها با استفاده از آزمون کولموگروف‌اسمیرنف، نبود رابطهٔ هم‌خطی با استفاده از شاخص‌های چولگی و کشیدگی، ضریب تحمل و تورم واریانس و بررسی پرت‌های چندمتغیری با استفاده از فاصلهٔ مهلنوبایس[2]، به‌کار برده شد. افزون بر این، در تحلیل داده‌ها ضریب همبستگی پیرسون به‌کار رفت؛ همچنین برای آزمون برازش، مدل شاخص نکویی برازش مجذور کای[3] با مقدار احتمال بزرگ‌تر از ۰/۰۵، ریشهٔ خطای میانگین مجذورات تقریب با نقطهٔ برش کوچک‌تر از ۰/۰۸، شاخص نکویی برازش تطبیقی با نقطهٔ برش کوچک‌تر از ۰/۹۰، شاخص نکویی برازش[4] با نقطهٔ برش کوچک‌تر از ۰/۹۵، شاخص نکویی برازش تعدیل‌شده[5] با نقطهٔ برش بزرگ‌تر از ۰/۹۰، شاخص نکویی تطبیقی[6] با نقطهٔ برش کوچک‌تر از ۰/۹۵ و فرمول z سوبل برای محاسبهٔ اثرات غیرمستقیم (۲۵)، با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS نسخهٔ ۲۴ و AMOS نسخهٔ ۲۴ به‌کار رفت. سطح معناداری آزمون‌ها ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

۳ یافته‌ها

در پژوهش حاضر میانگین و انحراف معیار سن شرکت‌کنندگان ۱۰/۳۳±۴۱/۳۶ سال بود. ۱۶ نفر (۵درصد) از زنان شرکت‌کننده در پژوهش در طبقهٔ سنی ۲۰تا۲۵ سال، ۲۵ نفر (۸درصد) در طبقهٔ سنی ۲۶تا۳۰ سال، ۶۰ نفر (۱۹درصد) در طبقهٔ سنی ۳۱تا۳۵ سال، ۱۰۲ نفر (۳۲درصد) در طبقهٔ سنی ۳۶تا۴۰ سال، ۳۰ نفر (۹درصد) در طبقهٔ سنی ۴۱تا۴۵ سال، ۲۸ نفر (۹درصد) در طبقهٔ سنی ۴۶تا۵۰ سال و ۵۹ نفر (۱۸درصد) در طبقهٔ سنی ۵۱تا۵۵ سال قرار داشتند. به‌علاوه ۱۰۲ نفر (۳۱/۸۸درصد) از زنان شرکت‌کننده تحصیلات دیپلم، ۸۰ نفر (۲۵/۰۰درصد) تحصیلات فوق‌دیپلم، ۱۰۴ نفر (۳۲/۵۰درصد) تحصیلات لیسانس و ۳۴ نفر (۱۰/۶۲درصد) تحصیلات فوق‌لیسانس و بیشتر داشتند. همین‌طور ۱۵۹ نفر (۴۸/۶۸درصد) از زنان شرکت‌کننده در پژوهش حاضر شاغل و ۱۶۱ نفر (۵۱/۳۲درصد) غیرشاغل بودند.

1. ENRICH Marital Satisfaction Scale
2. Mahalanobis distance (D)
3. Chi square
4. Goodness of fit index (GFI)
5. Adjusted goodness of fit index (AGFI)
6. Comparative fit index (CFI)

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-18]

جدول ۱ نشان می‌دهد، براساس مقدار احتمال آزمون نرمالیتی کولموگروف‌اسمیرنف، همهٔ متغیرهای پژوهش در محدودهٔ نرمال قرار دارند؛ بنابراین توزیع فرض نرمالیتی رد نمی‌شود. همچنین جدول ۱ مشخص می‌کند که پیش‌فرض هم‌خطی‌نبودن در بین متغیرهای پژوهش حاضر برقرار است.

همچنین ارزیابی مقادیر کشیدگی و چولگی اطلاعات مربوط به فاصلهٔ مهلنوبایس و بررسی نمودار باکس‌پلات و حذف داده‌های پرت، درنهایت نشان داد که توزیع داده‌های چندمتغیری نرمال است. مقادیر کشیدگی و چولگی به‌ترتیب برابر با ۰/۳۱۰ و ۰/۱۵۶ به‌دست آمد.

جدول ۱. میانگین، انحراف معیار، ضریب تحمل و تورم واریانس

متغیر	میانگین	انحراف معیار	ضریب تحمل	تورم واریانس	مقدار احتمال آزمون کولموگروف‌اسمیرنف
۱. بریدگی و طرد	۵۰/۴۸	۰/۹۶	۰/۳۸۴	۲/۶۰	۰/۲۹۲
۲. خودگردانی و عملکرد مختل	۳۴/۶۲	۰/۷۷	۰/۳۶۷	۲/۷۲	۰/۹۷۰
۳. محدودیت‌های مختل	۲۶/۴۸	۰/۴۱	۰/۴۴۹	۲/۲۲	۰/۴۱۵
۴. دیگرجهت‌مندی	۲۷/۶۹	۰/۴۴	۰/۴۵۴	۲/۲۰	۰/۹۷۸
۵. گوش‌به‌زنگی	۲۶/۸۲	۰/۴۲	۰/۵۵۰	۱/۸۱	۰/۴۰۴
۶. سبک یکپارچه	۲۴/۲۲	۰/۱۹	۰/۳۵۲	۲/۸۴	۰/۹۳۰
۷. سبک مصالحه‌کننده	۱۴/۶۵	۰/۱۱	۰/۵۲۷	۱/۸۹	۰/۳۴۸
۸. سبک ملزم‌کننده	۲۰/۴۰	۰/۱۸	۰/۳۲۹	۳/۰۴	۰/۴۰۷
۹. سبک اجتنابی	۱۷/۹۶	۰/۱۴	۰/۳۲۰	۲/۵۶	۰/۵۷۱
۱۰. سبک مسلط	۱۷/۰۸	۰/۱۱	۰/۵۴۷	۱/۸۲	۰/۳۵۷
۱۱. توافق	۲۳/۹۸	۰/۳۸	–	–	۰/۶۷۴
۱۲. رضایت	۱۷/۷۱	۰/۲۷	–	–	۰/۴۳۵
۱۳. انسجام	۱۲/۰۴	۰/۲۰	–	–	۰/۳۶۷

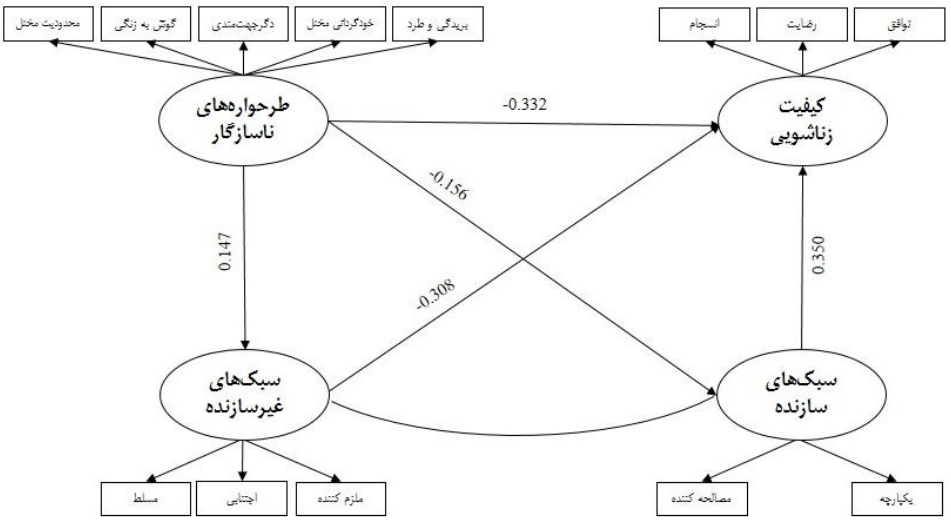
جدول ۲. ماتریس ضرایب همبستگی پیرسون متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
۱. بریدگی و طرد	-												
۲. خودگردانی مختل	۰/۷۴۷**	-											
۳.محدودیت‌های مختل	۰/۶۲۰**	۰/۶۱۹**	-										
۴.دیگرجهت‌مندی	۰/۵۴۷**	۰/۵۴۰**	۰/۶۳۱**	-									
۵. گوش‌به‌زنگی	۰/۴۴۲**	۰/۵۱۷**	۰/۵۰۸**	۰/۶۲۶**	-								
۶. سبک یکپارچه	-۰/۱۰۵**	-۰/۱۴۴**	-۰/۱۰۰**	-۰/۱۱۸**	-۰/۱۰۰**	-							
۷.سبک مصالحه‌کننده	-۰/۱۳۹**	-۰/۱۸۹**	-۰/۱۶۶**	-۰/۱۱۶**	-۰/۱۱۲**	۰/۶۲۱**	-						
۸. سبک ملزم‌کننده	-۰/۱۷۲**	-۰/۱۴۰**	-۰/۱۳۳**	-۰/۱۵۰**	-۰/۱۳۱**	۰/۷۵۲**	۰/۶۲۲**	-					
۹. سبک اجتنابی	۰/۱۸۲**	۰/۱۹۲**	۰/۱۳۱**	۰/۱۲۷**	۰/۱۱۰**	-۰/۷۰۰**	-۰/۵۶۰**	-۰/۷۱۶**	-				
۱۰. سبک مسلط	۰/۱۹۵**	۰/۱۲۱**	۰/۱۹۲**	۰/۱۱۲**	۰/۱۳۴**	-۰/۵۳۳**	-۰/۵۱۲**	-۰/۵۸۳**	۰/۵۸۷**	-			
۱۱. توافق	-۰/۳۰۴**	-۰/۲۶۲**	-۰/۲۱۵**	-۰/۲۰۵**	-۰/۱۵۶**	۰/۴۵۹**	۰/۳۱۲**	-۰/۳۹۵**	-۰/۴۵۷**	-۰/۱۶۰**	-		
۱۲. رضایت	-۰/۲۴۰**	-۰/۲۰۷**	-۰/۱۵۴**	-۰/۱۸۰**	-۰/۱۲۶*	۰/۳۷۱**	۰/۲۹۱**	-۰/۴۰۶**	-۰/۳۹۲**	-۰/۱۶۱**	۰/۶۷۶**	-	
۱۳. انسجام	-۰/۳۳۹**	-۰/۲۷۶**	-۰/۱۹۶**	-۰/۱۸۵**	-۰/۱۴۲**	۰/۴۶۱**	۰/۳۹۱**	-۰/۴۵۳**	-۰/۴۵۴**	-۰/۲۰۹**	۰/۷۳۶**	۰/۶۷۳**	-

$p<۰/۰۵$*

براساس جدول ۲، متغیرهای طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های حل تعارض غیرسازنده (شامل سبک‌های یکپارچه و مصالحه‌کننده) با کیفیت زناشویی رابطهٔ معکوس و سبک‌های حل تعارض سازنده (شامل سبک‌های ملزم‌کننده، اجتنابی و مسلط) با کیفیت زناشویی رابطهٔ مستقیم داشتند.

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-18]



شکل ۲. مدل ساختاری برازش‌شده برای بررسی رابطهٔ بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه با کیفیت زناشویی با میانجیگری راهبردهای حل تعارض در زنان متأهل براساس ضرایب استاندارد

در شکل ۲، مدل ساختاری برازش‌شده با داده‌های گردآوری‌شده برای بررسی رابطهٔ بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه با کیفیت زناشویی با میانجیگری راهبردهای حل تعارض در زنان متأهل براساس ضرایب استاندارد مشاهده می‌شود.

جدول ۳. اثر کل، اثر مستقیم و اثر غیرمستقیم حاصل از مدل ساختاری برازش‌شده

اثر کل	برآورد اثر استانداردنشده	خطای معیار	برآورد اثر استانداردشده	مقدار احتمال
طرحواره‌های ناسازگار اولیه_ کیفیت زناشویی	ـ ۰/۵۶۷	۰/۱۰۲	ـ ۰/۴۳۱	۰/۰۰۱
اثر مستقیم	**برآورد اثر استانداردنشده**	**خطای معیار**	**برآورد اثر استانداردشده**	**مقدار احتمال**
راهبردهای حل تعارض سازنده_ کیفیت زناشویی	۰/۵۹۸	۰/۱۰۸	۰/۳۵۰	۰/۰۰۹
راهبردهای حل تعارض غیرسازنده_ کیفیت زناشویی	ـ ۰/۹۷۲	۰/۱۰۶	ـ ۰/۳۰۸	۰/۰۱۴
طرحواره‌های ناسازگار اولیه_ راهبردهای حل تعارض سازنده	ـ ۰/۰۴۰	۰/۰۸۵	ـ ۰/۱۵۶	۰/۰۴۳
طرحواره‌های ناسازگار اولیه_ راهبردهای حل تعارض غیرسازنده	۰/۰۱۸	۰/۰۸۶	۰/۱۴۷	۰/۰۴۳
طرحواره‌های ناسازگار اولیه_ کیفیت زناشویی	ـ ۰/۴۰۲	۰/۰۶۲	ـ ۰/۳۳۲	۰/۰۱۱
اثر غیرمستقیم	**برآورد اثر استانداردنشده**	**خطای معیار**	**برآورد اثر استانداردشده**	**مقدار احتمال**
طرحواره‌های ناسازگار اولیه_ راهبردهای حل تعارض سازنده_ کیفیت زناشویی	ـ ۰/۳۸۸	۰/۰۳۳	ـ ۰/۰۵۴	۰/۰۰۸
طرحواره‌های ناسازگار اولیه_ راهبردهای حل تعارض غیرسازنده_ کیفیت زناشویی	ـ ۰/۱۶۷	۰/۰۲۴	ـ ۰/۰۴۵	۰/۰۱۱

باتوجه به جدول ۳، اثر کل طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر کیفیت زناشویی معنادار بود (β=-۰/۴۳۱، p=۰/۰۰۱). اثر مستقیم راهبردهای حل تعارض سازنده (β=۰/۳۵۰، p=۰/۰۰۹) و حل تعارض غیرسازنده (β=-۰/۳۰۸، p=۰/۰۱۴) بر کیفیت زناشویی معنادار بود. اثر مستقیم طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر راهبردهای حل تعارض سازنده (β=-۰/۱۵۶، p=۰/۰۴۳) و حل تعارض غیرسازنده (β=۰/۱۴۷، p=۰/۰۴۳) معنادار بود؛ همچنین اثر مستقیم طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر کیفیت زناشویی (β=-۰/۳۳۲، p=۰/۰۱۱) معنادار بود؛ همچنین اثر غیرمستقیم طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر کیفیت زناشویی با میانجیگری راهبردهای حل تعارض سازنده (β= -۰/۰۵۴، p=۰/۰۰۸) و غیرسازنده (β=-۰/۰۴۵، p=۰/۰۱۱) معنادار بود.

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-18]

جدول ۴. شاخص‌های نکویی برازش مدل ساختاری برازش‌شده

شاخص‌های برازندگی	مجذورکای نرم‌شده	ریشهٔ خطای میانگین مجذورات تقریب	شاخص نکویی برازش	شاخص نکویی برازش تعدیل‌شده	شاخص برازندگی تطبیقی
مدل	۲/۴۸	۰/۰۴۷	۰/۹۶۹	۰/۸۹۱	۰/۹۳۳

شاخص‌های نکویی برازش در جدول ۴ حاکی‌از برازش نسبتاً مناسب مدل ساختاری با داده‌های گردآوری‌شده بود.

۴ بحث

هدف پژوهش حاضر مدل‌سازی معادلات ساختاری رابطهٔ بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه با کیفیت زناشویی با میانجیگری راهبردهای حل تعارض در زنان متأهل بود. نتایج پژوهش حاضر نشان داد، راهبردهای حل تعارض سازنده و غیرسازنده رابطهٔ بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و کیفیت زناشویی را میانجیگری می‌کند. در تبیین یافته‌های حاضر می‌توان گفت، براساس نظر هنردوست، مفهوم طرحواره در قالب سطوح شناخت، سطح عمیق‌تری محسوب می‌شود. درواقع طرحواره‌ها حاصل گفت‌وگوی والدین با کودک هستند که به‌تدریج در ذهن او جای می‌گیرند و به‌گونه‌ای نظام‌مند، اما ناکارآمد، زندگی وی را زیر سیطرهٔ خود می‌گیرند (۲۶). کرومیر و همکاران معتقد هستند، زمانی که این طرحواره‌ها فعال می‌شوند، می‌توانند بر ادراک، واقعیت و پردازش شناختی فرد اثر بگذارند (۲۷). طبق نظر گونر طرحواره‌های ناسازگار اولیه، ریشه در دوران کودکی و نوجوانی دارند و بعدها ناسازگارانه می‌شوند؛ زیرا مانع از برآوردن نیازهای هیجانی در آن دوران می‌شوند و در روابط بزرگسالی نمود می‌یابند (۲۸). شوری و همکاران مطالعه‌ای دربارهٔ رابطهٔ بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و روابط صمیمی و زناشویی انجام دادند. آن‌ها چنین مطرح کردند که طرحواره‌های ناسازگار اولیه، الگوهای هیجانی و شناختی خودشکننده‌ای هستند که در طول دوران رشدی گسترش می‌یابند و در طول زندگی تکرار می‌شوند. طرحواره‌های ناسازگار اولیه شیوه‌های بادوام، پایدار و مقاوم دربرابر تغییر نگریستن به خود و تعامل با جهان پیرامون هستند (۲۹)؛ ازاین‌رو ممکن است رفتار حل تعارض را نیز در افراد تحت‌تأثیر قرار دهند. رضایت در روابط نزدیک و دوستانه فقط زمانی دیده می‌شود که نیازهای رشدی به‌طور مقتضی برآورده شده باشند و نیز نیازهای بزرگسالی ارضا شوند؛ چون هریک از زوجین علاوه‌بر طرحواره‌هایی که با خود به رابطه می‌آورند، در ارتباط فعلی خویش طرحواره‌هایی را ایجاد می‌کنند که خاص این رابطه هستند؛ یعنی زمانی که نیازها ارضا نشوند، ممکن است طرحواره‌های ناسازگار خاصی به‌وجود آیند که بر روابط صمیمانه و کیفیت زناشویی اثر بگذارند (۳۰)؛ به‌عنوان مثال بشارت و همکاران چنین نتیجه گرفتند که وجود طرحوارهٔ رهاشدگی و طرد در هریک از زوجین باعث می‌شود فرد همواره نگران این باشد که همسرش وی را ترک و طرد کند. افرادی که طرحواره‌هایشان در این حوزه قرار می‌گیرد، اغلب میزان بیشتری از آسیب را از زمان کودکی خود داشته و میزان کمتر ثبات را در برقراری ارتباط با دیگران تجربه کرده‌اند (۱۹).

به‌نظر می‌رسد ازآنجاکه طرحواره‌ها مضامین انعطاف‌ناپذیر هیجانی و شناختی دارند، موجب برانگیختگی هیجان‌های منفی ناخودآگاه در هنگام بروز تعارضات زناشویی می‌شوند. طبق نظر باباجانی و همکاران، پاسخ‌های مقابله‌ای طرحواره‌ای الگوهای رفتاری تکرارشونده‌ای هستند که در چنین مواقعی براساس نوع طرحوارهٔ افراد، افکار و راهبردهای حل تعارض آن‌ها را موجب می‌شوند (۳۱). در این میان، در زمینهٔ حل تعارض زوجین می‌توان گفت، تعارض شامل توافق‌نداشتن و مخالفت دو فرد با یکدیگر، ناسازگاری نظرات و اهداف و رفتاری است که با نظر دیگری مخالف است؛ همچنین ستیزهای بین افراد در اثر منافع ناهمسو و اختلاف اهداف و ادراکات مختلف است. تعارض در روابط زمانی بروز می‌کند که رفتار یک فرد با توقعات شخص دیگر همسو نیست. ارتباط ضعیف به حفظ این روند کمک می‌کند (۳۲). روابط زناشویی با درک و پذیرش همسر مرتبط است و هر قدر روابط بین زوج‌ها بیشتر باشد، درک و پذیرش همسر نیز بیشتر و تعارض‌های بین آن‌ها کمتر و حل‌شدنی‌تر می‌شود (۳۳). تعارض‌ها ممکن است در ارتباط با هر موضوعی ازجمله طرح‌ریزی و انجام زندگی مشترکی روی دهد؛ بنابراین تعارض بین افراد در روابط مهم همچون ازدواج امری اجتناب‌ناپذیر است. زوجین رضایت‌مند آن دسته از زوجینی هستند که روشی را برای حل تعارض به‌صورت مؤثر یافته‌اند. تعارض حل‌نشده منجربه نارضایتی و بیگانگی می‌شود؛ البته تعارض دارای جنبهٔ مثبتی نیز است که فرصتی را برای بهبودی روابط فراهم می‌کند؛ این در صورتی است که همسران یاد بگیرند چطور با یکدیگر مذاکره کنند؛ بنابراین می‌توان گفت، حل تعارض برای روابط موفق، موضوعی محوری است (۸). درواقع، داشتن شیوه‌های حل تعارض منطقی، مانع مؤثری دربرابر تعارض‌های منحل‌کنندهٔ خانواده است و حتی می‌تواند به حل بهتر مسائل پیش روی زوجین کمک کند (۱۰). گاتمن بیان کرد، سبک روابط زوجین به‌خصوص هنگامی که به تعارض می‌پردازند، می‌تواند در طول مدت ازدواج به‌عنوان شاخص قوی برای احساس رضایت‌مندی زوجین در ازدواج مطرح شود؛ همچنین وی اذعان کرد که طبقه‌بندی در زیرمجموعهٔ تعارض دربارهٔ آنچه آن‌ها جر و بحث می‌کنند، ناشی نمی‌شود؛ بلکه ناشی‌از این است که وقتی جر و بحث می‌کنند چطور واکنش نشان می‌دهند. به‌عقیدهٔ گاتمن خانهٔ تأهل مستحکم شامل ساخت بنایی در دوستی، خوش‌گمانی دربارهٔ

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-18]

احساسات، مدیریت تعارض‌ها و ایجاد نظامی از مفاهیم مشترک می‌شود (۳۴). لیدراچ از اصطلاح «تحول تعارض» برای توصیف رویکرد خود برای حل تعارض استفاده می‌کند. این رویکرد بر ماهیت دیالکتیکی تعارض تمرکز دارد. این تضاد را ناشی‌از ایجاد تغییر در روابط می‌داند که در اینجا می‌توان به میزان رضایت‌مندی زناشویی زوجین اشاره کرد. طبق نظر وی برای برقراری صلح، الگوهای منفی یا مخرب تعارض باید به روابط و تعاملات مثبت یا سازندهٔ زناشویی تبدیل شود؛ به‌عبارتی باید میزان کیفیت زناشویی زوجین را افزایش داد (۳۵).

در پژوهش حاضر باتوجه به اینکه اجرا به‌صورت برخط انجام گرفت، کنترل متغیرهایی ازجمله معلولیت جسمانی، بیماری‌های مزمن، مصرف داروهای خاص و بستری‌شدن شرکت‌کنندگان در طول سال گذشته به‌علت وضعیت جسمانی و روان‌شناختی، میسر نشد؛ همچنین در مرحلهٔ آخر، به‌دلیل کرونا نمونه‌گیری به‌صورت دردسترس و برخط انجام پذیرفت؛ ازاین‌رو لازم است تعمیم‌پذیری یافته‌ها با احتیاط صورت گیرد.

۵ نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های این پژوهش، طرحواره‌های ناسازگار اولیه به‌واسطهٔ راهبردهای حل تعارض سازنده و غیرسازنده بر کیفیت زناشویی متأهلان تأثیر می‌گذارند.

۶ تشکروقدردانی

از تمامی شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر و نیز مسئولان محترم مراکز سلامت و دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز تشکر و قدردانی می‌شود.

۷ بیانیه‌ها

تأییدیهٔ اخلاقی و رضایت‌نامه از شرکت‌کنندگان

این مقاله برگرفته از رسالهٔ دکترای دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز با کد ۱۰۱۴۸۰۰۴۱۸۷۵۹۹۰۱۳۹۹۱۶۲۲۶۱۴۳۴ است. شرکت‌کنندگان چون به‌شکل برخط به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند، لینک برایشان فرستاده شد و در صورت تمایل و رضایت در مطالعهٔ حاضر شرکت کردند.

رضایت برای انتشار

این امر غیر قابل اجرا است.

دردسترس‌بودن داده‌ها و مواد

داده‌های پشتیبان نتایج گزارش‌شده در مقاله که در طول مطالعه تحلیل شدند به‌صورت فایل ورودی داده، نزد نویسندهٔ مسئول حفظ خواهد شد.

تزاحم منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند هیچ‌گونه تضاد منافعی ندارند.

منابع مالی

اعتبار برای انجام‌شدن این مطالعه از منابع شخصی تأمین شده است.

مشارکت نویسندگان

همهٔ نویسندگان سهم یکسانی در تهیهٔ پیش‌نویس مقاله، بازبینی و اصلاح مقالهٔ حاضر داشتند.

References

1. Gonczarowski YA, Nisan N, Ostrovsky R, Rosenbaum W. A stable marriage requires communication. Games and Economic Behavior. 2019;118:626–47. doi: 10.1016/j.geb.2018.10.013
2. Shaker A, Heshmati R, Rahimi MP. Investigation of Marital adjustment in people with secure, preoccupied, dismissing and fearful attachment styles. Procedia - Social and Behavioral Sciences. 2010;5:1823–6. doi: 10.1016/j.sbspro.2010.07.371
3. Karney BR, Bradbury TN. The longitudinal course of marital quality and stability: a review of theory, method, and research. Psychol Bull. 1995;118(1):3–34. doi: 10.1037/0033-2909.118.1.3
4. Naeimi E, Shariati SS. Providing educational pattern for couple's conflicts extracted from gender attributes. Counseling Culture and Psycotherapy. 2014;5(18):1–23. [Persian] doi: 10.22054/qccpc.2014.579
5. Wood JT. Interpersonal communication: everyday encounters. 8th ed. Boston, MA: Cengage Learning; 2016.
6. Haghighi H, Zarei E, Ghaderi F. Factor structure and psychometric characteristics conflict resolution styles questionnaire Rahim (ROCI-II) in Iranian couples. Family Counseling and Psychotherapy. 2012;2(1):534–62. [Persian] https://fcp.uok.ac.ir/mobile/article_9524_8f082d992d1921667cf46c26d485ac29.pdf
7. Rahim MA. A measure of styles of handling interpersonal conflict. Academy of Management Journal. 1983;26(2):368–76. [Persian] doi: 10.2307/255985
8. Fathi E, Esmaeily M, Farahbakhsh K. Areas of conflict and strategies of resolving conflicts in satisfied couples. Counseling Culture and Psycotherapy. 2015;6(24):29–54. [Persian] doi: 10.22054/qccpc.2015.4425
9. Hossini M, Rasouli M, Nazari A, Khakpoor Chenari IKC. Relationship between health of family of origin and constructive and non-constructive conflict resolution style with marital intimacy: exploring the mediating role of marital equality. Quarterly Journal of Health Breeze. 2013;2(3):29–36. [Persian] http://jfh.iausari.ac.ir/m/article_641851_3e4fb77633f389903066a69543ad3961.pdf
10. Bayrami M, Babapour Khirodin J, Hashemi Nosrar abad T, Esmali E, Bahadori Khosroshahi J. Prediction of marital satisfaction on the basis of components of emotional intelligence and conflict resolution styles. Journal of Inflammatory Disease. 2013;17(3):20–7. [Persain] https://journal.qums.ac.ir/article-1-1497-en.pdf
11. Saeidnia Z, Makvandi B. Schema therapy efficacy training on early maladaptive schemas and conflict resolution patterns in married women referring to counseling centers. Scientific Research Quarterly of Woman and Culture. 2018;10(37):99–113. [Persian] https://jwc.iauahvaz.ac.ir/article_545273_79dd604963f13d3587b5bd94e95c7568.pdf
12. Körük S. Early maladaptive schemas and attachment styles predicting tendencies in intimate relationship. European Journal of Education Studies. 2017;3(9):393–411.

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-18]

13. Mikulincer M, Shaver PR. An attachment perspective on psychopathology. World Psychiatry. 2012;11(1):11–5. doi: 10.1016/j.wpsyc.2012.01.003
14. Bosmans G, Braet C, Van Vlierberghe L. Attachment and symptoms of psychopathology: early maladaptive schemas as a cognitive link? Clin Psychol Psychother. 2010;17(5):374–85. doi: 10.1002/cpp.667
15. Young JE, Klosko JS, Weishaar ME. Schema therapy: a practitioner's guide. Guilford Press; 2007.
16. González-Jiménez AJ, Hernández-Romera M del M. Early maladaptive schemas in adolescence: a quantitative study. Procedia - Social and Behavioral Sciences. 2014;132:504–8. doi: 10.1016/j.sbspro.2014.04.344
17. Janovsky T, Rock AJ, Thorsteinsson EB, Clark GI, Murray CV. The relationship between early maladaptive schemas and interpersonal problems: A meta-analytic review. Clinical Psychology & Psychotherapy. 2020;27(3):408–47. doi: 10.1002/cpp.2439
18. Asghari F, Sadeghi A, Khakdoost SZ, Entezari M. Investigating the relationship between early maladaptive schemas with marital conflict and instability in the couples of applicant of divorce and normal couples. Family Pathology, Counseling and Enrichment Journal. 2015;1(1):46–58. [Persian] http://fpcej.ir/article-1-105-en.pdf
19. Besharat MA, KHalili M, Reza Zadeh SMR, Hosseini SA. The mediating role of difficulty in emotion regulation on the relationship between early maladaptive schemas and alexithymia. Journal of Psychological Models and Methods. 2017;8(3):183–206. [Persian] http://jpmm.miau.ac.ir/article_2561_c616861033870930ad7ce62022ad492f.pdf
20. Kline RB. Principles and practice of structural equation modeling. 3rd ed. New York: The Guilford Press; 2011.
21. Waller G, Meyer C, Ohanian V. Psychometric properties of the long and short versions of the young schema questionnaire: core beliefs among bulimic and comparison women. Cognitive Therapy and Research. 2001;25(2):137–47. doi: 10.1023/A:1026487018110
22. Sadooghi Z, Aguilar-Vafaie ME, Rasoulzadeh Tabatabaie K, Esfehanian N. Factor analysis of the young schema questionnaire-short form in a nonclinical Iranian sample. Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology. 2008;14(2):214–9. [Persian] http://ijpcp.iums.ac.ir/article-1-474-en.pdf
23. Busby DM, Crane DR, Larson JH, Christensen C. A revision of the Dyadic Adjustment Scale for use with distressed and nondistressed couples: Construct hierarchy and multidimensional scales. Journal of Marital and Family Therapy. 1995;21(3):289–308. doi: 10.1111/j.1752-0606.1995.tb00163.x
24. Yoosefi N. Investigation of psychometric properties of the Revised Dyadic Adjustment Scales (RDAS). Research in Clinical Psychology and Counseling. 2012;1(2):183–200. [Persian] doi: 10.22067/ijap.v1i2.9534
25. Weston R, Gore PA. A brief guide to structural equation modeling. The Counseling Psychologist. 2006;34(5):719–51. doi: 10.1177/0011000006286345
26. Honardoost N. A report of several books on scheme Therapy. Clinical Psychology Studies. 2015;5(18):167–80. [Persian] https://jcps.atu.ac.ir/article_1051_3962d4161b23d3ac08f6a16c834090a4.pdf
27. Cormier A, Jourda B, Laros C, Walburg V, Callahan S. Influence between early maladaptive schemas and depression. Encephale. 2011;37(4):293–8. [French] doi: 10.1016/j.encep.2011.01.001
28. Güner O. Psychometric properties and normative values of early maladaptive Schema Questionnaires Set for children and adolescents (SQS). Clin Psychol Psychother. 2017;24(2):534–54. doi: 10.1002/cpp.2049
29. Shorey RC, Anderson S, Stuart GL. Early maladaptive schemas of substance abusers and their intimate partners. J Psychoactive Drugs. 2013;45(3):266–75. doi: 10.1080/02791072.2013.805982
30. Arianfar N, Arianfar N. Structural Equation Modeling of the predicting marital conflict on the basis of initial maladaptive schemas of the cuts and rejection areas and the mediatory variable of the lovemaking styles. Counseling Culture and Psycotherapy. 2017;8(29):107–34. [Persian] doi: 10.22054/qccpc.2017.20080.1470
31. Babajani S, Akrami N, Farahani A. Relationship between early maladaptive schemas and coping styles with stress. Journal of Life Science and Biomedicine. 2014;4:570–4.
32. Fatehizadeh M, Barbaz Esfahani N, Parcham A. Managing marital conflict Approach to problem solving from the perspective of family counseling and Islam. Women's Strategic Studies. 2017;19(74):67–92. [Persian] doi: 10.22095/JWSS.2017.49928
33. Khademi A, Valipour M, Moradzadeh Khorasani L, Neishaboori S. Rabtet vijegihaye shakhsiat ba rezayat zanashouie va moalefe–haye an dar zoj–ha [Relationship between personality traits and marital satisfaction and its components in couples]. Journal of Applied Psychology. 2015;8(1):95–109. [Persian] https://apsy.sbu.ac.ir/article_96277_e6bec427942b2c0ea70728b5d4dbfb4f.pdf
34. Gottman JM. Psychology and the study of marital processes. Annu Rev Psychol. 1998;49:169–97. doi: 10.1146/annurev.psych.49.1.169
35. Lederach JP. Preparing for peace: conflict transformation across cultures. New York: Syracuse University Press; 1995.

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-18]